



نگاه‌امروز

نقش کلیدی خطوط قرمز

حسین قدیانی



به سبب کارم امهات توافق دیروز را از نظر گذراندم. مختصر و آن‌شاه‌الله مفید اشاره کنم به نکاتی:

یکم - در قیاس با توافق ژنو ایضا چار چوبی که در لوزان بسته شد، توافق دیروز، توافق بدی به نظر نمی‌رسد. ایده‌آل نیست لیکن بد هم نیست.

دوم - حتی می‌توان توافق دیروز را توافقی خوب دانست اما به یک شرط بسیار مهم؛ اینکه طرف غربی و فی‌الواقع آمریکایی به همه مفاد آن در مقام اجرا متعهد باشد.

سوم - در طول این ۱۲ سال مذاکرات هسته‌ای بویژه این ۲ سال آخر، شیطان بزرگ واقعا نشان داد «شیطان بزرگ» است و فوق‌العاده خبیث. این خیانت، چند روز پیش حتی صدای وزیر محترم امور خارجه را هم از «تنّ دیپلماتیک» تغییر داد به «تن انقلابی». جملات کوبنده‌ای مثل «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» یا «وسط مسابقه، اسب را عوض نمی‌کنند» فی حد ذاته نشان داد در برابر دشمنی از جنس آمریکا اتفاقا هرچه محکم‌تر بایستی، نتیجه بهتری خواهی گرفت. فلذا توافق دیروز، نافی خوشبین نبودن به مذاکرات نیست، بل مویذ این هم هست که اگر آدمی روی عناصر چهارگانه تدین، امانتداری، غیرت و شجاعت پافشاری مضاعف کند و خطوط قرمز مدنظر ملت شهیدپرور را متوجه باشد، امکان رسیدن به نتیجه خوب را بیشتر می‌کند.

چهارم - مهم، «عمل به مفاد این توافق» است والا خود توافق که در واقع چیزی بیشتر از یک «انتشا» نیست. بعد از استماع سخنان دیروز رئیس‌جمهور آمریکا، براحتی می‌شد حدس زد که کاخ سفید دنبال دبه درآوردن است، حالا یا با کمک کنگره یا به مدد حق و تو یا با استفاده از سایر ابزارهایی که در اختیار دارد.

پنجم - هم دوستان حزب‌اللهی، هم دوستان منافع دولت زبینه‌دهر آن است که به قول معروف «شور حسینی» برشان ندارد شور بی‌شعور، چه از نوع غم باشد، چه از نوع شادی، مغایرت دارد با خرد. توافق دیروز، بیش از آنکه جای اندوه یا جشن باشد، جای «خداقوت» به مردمان مذاکره‌کننده بابت نهایت تلاش برای عملیاتی کردن منویات نظام است، نیز سنجش صداقت و وفای به عهد یانکی‌های، پای توافقی را که امضا می‌کنند.

ششم - چند روز پیش در متن «فصل نقل و انتقالات» از فوتبال گزیری زدم به سیاست‌الان هم همین بنا را دارم. صرف اینکه یک مربی، تیم خود را با مهره‌های اسم و رسم‌دار ببندد و ستاره پشت ستاره جذب باشگاه خود کند، آیا کفایت می‌کند برای قهرمانی این تیم؟ فلذا «جوجه توافق» را باید «آخر پاییز اجراء تعهدات» شمرد. دقیقا به همین دلیل، روزنامه «وطن امروز» نه موافق غصه‌خوردن‌های بی‌مناسبت، نه مدافع الکی خوش بودن. صدا البته مردمان دستگاه دیپلماسی هم، فضای صبورانه، منطقی و توأم با هوشیاری و بصیرت را هم به افراط برتری می‌دهند، هم به تفریط.



مهدی محمدی: یکم- به یک روایت دیروز روز پایان ۱۲ سال پرونده هسته‌ای ایران بود. حداقل مذاکره‌کنندگان به ما گفته‌اند که چنین خواهد بود. برای من که در این مدت، حتی یک روز از موضوع هسته‌ای فارغ نبوده‌ام، این روز بسیار مهم است. همین که یک نقطه پایان بر این پرونده حجیم گذشته شود و بتوان اثری‌هایی را که تاکنون صرف این موضوع شده، در موضوعاتی دیگر صرف کرد، خود موهبتی مهم و مبارک است. این نقطه پایان، برجام نامیده شده است. یک برنامه جامع برای اقدام مشترک میان ایران و ۵+۱ که با ضمانت آن بیش از ۱۵۰ صفحه است. زمانی کم و بیش طولانی لازم است تا همه ابعاد این متن روشن شود و بتوان درباره آن یک داوری بدون ابهام به دست داد اما به اجمال این نکته را می‌توان گفت که استراتژی ویژه مذاکراتی رهبر معظم انقلاب اسلامی به تولید یک متن متوازن منجر شده است. به این سبب، بی‌گمان بر ما فرض است که کوشش تیم مذاکره‌کننده را ارج بنهیم و به آنها خداقوت بگوییم.

دوم- همچنانکه سابقه چنین معاهداتی نشان می‌دهد - البته نمونه‌های مشابه برای برجام بسیار اندک است - چالش بزرگ اینگونه متون حین اجرا نمایان می‌شود. به طور کلاسیک این تلقی وجود دارد که اجراء این قبیل توافقات بسیار دشوارتر از تنظیم و امضای آنهاست، بویژه اگر با طرفی چون آمریکا مواجه باشیم که تقریبا حتی یک نمونه قابل ذکر از آنچه بتوان آن را

عمل به تعهدات بین‌المللی نامید در کارنامه آن وجود ندارد. مهم‌تر از این، خوب یا بد بودن چنین متونی نیز نه روی کاغذ بلکه در عمل مشخص می‌شود. بنابراین تا زمانی که نوبت به اجرا برسد باید خوشبختانر بود.

سوم- گذار از توافقات ژنو و لوزان - که بی‌گمان مصداق توافق بد بودند- به برجام - که در نگاه اول توافقی متوازن است- به سادگی رخ نداده است. این گذار محصول یک طراحی بسیار پیچیده در اموری چون چانه‌زنی، راهبردگذاری مذاکراتی، مدیریت بده بستان، ترسیم خطوط قرمز، مدیریت فضای نقد، لایه‌های چند لایه و دیپلماسی عمومی بوده که جلگلی توسط رهبر بصیر انقلاب اسلامی اعمال شده است. این مدیریت، لاقل در یک هفته گذشته از جنس «رود به جزئیات» بوده است. واقعیت این است که اگر مسیر توافق‌های ژنو و لوزان به حال خود رها می‌شد، این مدیریت اعمال نمی‌شد و انتقاد صلحانه در دستور کار نخبگان قرار نمی‌گرفت، برجام شانس چندانی برای تبدیل شدن به یک توافق متوازن نداشت. در فرصتی دیگر جزئیات این موضوع را که چگونه این اصلاحات راهبردی و مداخلات تکنیکال، سرنوشت برجام را تغییر داد، خواهیم گفت.

چهارم- آنچه رخ داده یک بده بستان است. امور مهمی واگذار شده و البته امتیازهای مهمی هم به دست آمده است. همچنانکه آقای ظریف خود زمانی پیش از این گفته است این چیزی نیست که بنا باشد

برای آن سوت و کف زده شود. جامعه بسیار زودتر از آنچه برخی می‌پندارند از هیجان ناشی از اعلان توافق خارج شده و بر دستاوردهای ملموس آن متمرکز خواهد شد. توقعات از توافق هسته‌ای در ماه‌های گذشته به نحو غیرواقعی بالا برده شده و اکنون زمان آن است که همه اثری‌ها بر تأمین یا مدیریت این توقعات متمرکز شود. این حق رهبر معظم انقلاب اسلامی و ملت شریف ایران است که در ازای انعطافی که در واگذاری بخشی از حقوق هسته‌ای خود انجام داده‌اند، ببینند که دولت نیز وظایف خود را بر اولویت‌های مردم منطبق کرده و بر ترجمه توافق به رفاه تمرکز کرده است. دوران پس‌اتوافق، دوران مسئولیت‌پذیری، سختکوشی و قدرشناسی است. این دوران هم‌اکنون آغاز شده و خیلی زود ماه عسل خویش را سپری خواهد کرد.

پنجم- و واپسین نکته اینکه درباره هدف‌های آمریکا در دوران پس‌اتوافق نباید ساده‌اندیش بود و به برنامه‌ای که برای اثرگذاری بر محیط‌های سیاست داخلی، هسته‌ای، امنیت ملی و منطقه‌ای طراحی و اجراء برخی از آنها را هم آغاز کرده، بی‌توجهی کرد. اهداف آمریکا در مرحله پس‌اتوافق لزوما همان چیزهایی نیست که در متن برجام نوشته شده یا ظاهرا به نظر می‌رسد. چالش راهبردی اکنون این است که برجام و سرزمین‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از اجراء آن در مسیر کدام هدف هزینه خواهد شد؟



چرا باید نسبت به قدرت‌های جهانی بدبین بود؟

است. با این وجود برخی مقاطع تاریخی را باید نقاط عطفی تاریخی در رفتارهای «فریبکارانه» و «هکارانه» قدرت‌های بزرگ نسبت به ایران به شمار آورد. نوع کنشگری قدرت‌های بزرگ در «جریان نهضت مشروطه ایران»، «جنگ اول جهانی»، «جنگ دوم جهانی»، «کودتای ۲۸ مرداد» و در ایران‌بان به قدرت‌های بزرگ را باید اصلی‌ترین عامل این مساله به شمار آورد. پاسخ به «چرایی» و «چگونگی» ایجاد این ذهنیت بیش از هر چیز در دل تاریخ معاصر ایران نهفته است. این اهمیت نیز از آن روست که اساسا تحولات تاریخی ایران بویژه در یک سده گذشته نقشی بنیادین در برساختن این مرزهای بزرگ داشته است. بیرون این نگرش با تجویز تعامل حداکثری با قدرت‌های بزرگ دنیا بویژه دولت‌های غربی برآند که جامعه ایرانی باید دست دوستی به سوی این دولت‌ها دراز کرده و در این راه پیشقدم باشد. این دو دیدگاه در شرایط کنونی و هم‌زمان با مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ نیز در قالب ۲ گفت‌مان رقیب مطرح شده است. تدقیق در این دو گفت‌مان بویژه گفت‌مان اول در روزهایی که مذاکرات هسته‌ای ایران با ۶ قدرت بزرگ دنیا به جمع‌بندی پایانی رسیده از

نهایی شدن برجام محصول یک سلسله محاسبات استراتژیک است؛ هم در ایران و هم در آمریکا. در طرف ایرانی شاید یک استراتژی مذاکراتی متفاوت، می‌توانست متنی متفاوت هم خلق کند. بحث درباره استراتژی مذاکراتی تیم ایرانی و بدیل‌های آن فعلا اولویت ما نیست اما درباره آنچه آمریکایی‌ها در سر دارند باید به اندازه کافی وقت گذاشت و اندیشید. آمریکا می‌خواهد برجام را سکوی برای پرش به سمت کدام اهداف کند؟ این سوال بویژه در شرایطی اهمیت می‌یابد که توجه کنیم به دلایل متنوع آمریکا چاره‌ای جز توافق با ایران نداشت و گزینه‌های غیر دیپلماتیک آن بسیار محدودتر و ناکارآمدتر از چیزی بود که ادعا می‌کرد. اساسا یکی از مهم‌ترین عواملی که به حصول توازن نسبی در متن برجام انجامیده، همین خالی بودن دست آمریکا نیاز آن به توافق و هوشمندی مذاکراتی در استفاده از این نقطه ضعف بوده است. اکنون آمریکایی‌ها می‌خواهند برجام را به یک گزینه برای خود تبدیل کرده و با آن سید خالی شده گزینه‌های خود را رونق ببخشند. متقابلا نظام جمهوری اسلامی نیز در این اندیشه است که برجام را به بخشی از پیکربندی راهبردی خویش در حوزه‌های اقتصادی، سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بدل کند. در سطح استراتژیک پرسش اصلی این است، در میان‌مدت، برجام گزینه کیست و در سید کدام طرف خواهد نشست؟

۱۲۹۳ هجری شمسی به دنبال صدور فرمان احمد شاه، مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرا طی اعلامیه‌ای بی‌طرفی ایران را در جنگ اول جهانی اعلام کرد. بی‌طرفی‌ای که مناسفانه هیچگاه مورد توجه قدرت‌های درگیر در جنگ قرار نگرفت و خاک ایران از نواحی گوناگون مورد تجاوز ارتش‌های متفقین و متحدین قرار گرفت. در چنین وضعیتی بود که دولت همسایه ایران، یعنی روسیه و عثمانی که در ۲ جبهه مخالف قرار گرفته بودند، نبرد خود را به خاک ایران کشاندند. البته در کنار این دولت‌ها بریتانیا و آلمان نیز در مناطق جنوبی و مرکزی ایران به جدال با یکدیگر پرداختند. تمام این امور برغم آن بود که دولت ایران از یکسو اعلام بیطرفی خود را اعلان کرده بود و از سوی دیگر با کانون اصلی جنگ یعنی اروپا فاصله زیادی داشت. با این حال و به حسب خوی متجاوزانه قدرت‌های درگیر در جنگ، ایران نیز در کانون این نبرد جهانی قرار گرفت و نتیجه‌ای جز قحطی، ویرانی و فلاکت عاید ملت ایران نشد. محمدقلی مجد در کتاب «قحطی بزرگ» بر مبنای مدارک موجود در مرکز اسناد ملی ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده است که قحطی بزرگی در ایران طی این سال‌ها رخ داده است.

جمع‌بندی برجام

در انتظار اجرا

- اجرای این قبیل توافقات بسیار دشوارتر از تنظیم و امضای آنهاست، بویژه اگر با طرفی چون آمریکا مواجه باشیم
- خوب یا بد بودن چنین متونی نه روی کاغذ بلکه در عمل مشخص می‌شود

- اگر مسیر توافق‌های ژنو و لوزان به حال خود رها می‌شد مدیریت رهبری اعمال نمی‌گشت و انتقاد صلحانه در دستور کار نخبگان قرار نمی‌گرفت، برجام شانس چندانی برای تبدیل شدن به یک متن متوازن در وین نداشت



خبر آخر

قدردانی از زحمات تیم هسته‌ای

دیدار رضانی هیأت دولت با رهبر انقلاب



حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر دیروز در دیدار رضانی رئیس‌جمهور و هیأت وزیران با شرح و تبیین فرازهایی از فرمان راهگشای امیرمؤمنان به مالک اشتر، تأکید کردند: پشتوانه روحی، معنوی و فکری، عامل اصلی حل همه مشکلات است و تأمل و تدبر در نهج البلاغه مولای متقیان، چنین پشتوانه‌ای را فراهم می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور در ابتدای این دیدار درباره نتایج مذاکرات هسته‌ای، از زحمات و مجاهدات صادقانه و مجدانه تیم هسته‌ای قدردانی و تشکر کردند.

ایشان سپس با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی جایگاه خاص مالک اشتر نزد امیرمؤمنان افزودند: حضرت علی بن ابیطالب (ع)، فرمان خود را خطاب به چنین شخصیتی صادر فرمودند که این نکته جای تأمل دارد.

رهبر انقلاب در بیان وظایف مسئولان در فرمان امیرمؤمنان به مالک اشتر، افزودند: «گرفتن مالیات و حقوقی که مردم نسبت به دولت دارند»، دفاع از مردم و سرزمینشان، سوق دادن جامعه به صلاح و رستگاری و آبادانی و سازندگی کشور، ۴ مأموریت اصلی است که مولای متقیان در نامه به مالک، بر دوش حاکمان می‌گذارد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، «توصیه حاکمان اسلامی به تقوای الهی در هر شرایط و موقعیت»، «جدیت کامل در انجام دادن فرائض و سنن و مستحبات»، «صبرت پروردگار در قلب و در زبان و در عمل»، «و مهارت کردن نفس در مقابل همه شهوات» را از فرامین مهمی برشمردند که مولای متقیان در زمینه خودسازی به مالک اشتر نگاشتند. قضاوت متصفانه درباره مسئولان قبلی از دیگر نکاتی بود که رهبر انقلاب با استناد به فرازهایی از فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر مورد تأکید قرار دادند.

ایشان عمل صالح را بهترین ذخیره دوران مسئولیت هر فرد برشمردند و افزودند: مردم در «فضاوت‌های با فکر و تأمل و جمع بندی شده»، اشتباه نمی‌کنند بنابراین این‌ها را اینگونه فضووت‌های مردم می‌توان فهمید که کدام مسئول صالح است و کدام نه. «مراقبت حریصانه و بخیلانه از نفس برای جلوگیری از انحراف و ضایع شدن آن»، و «ترجیح دادن تکلیف الهی به هر چیز دیگر»، دو توصیه دیگری بود که رهبر انقلاب هنگام بازخوانی فرمان حکومتی امیرمؤمنان، بیان کردند و افزودند: امام راحل عظیم الشان، مظهر عمل به این توصیه‌های الهی بود. حضرت آیت الله خامنه‌ای، «دوست داشتن مردم از صمیم قلب» و «محبت و مسدرا با آنان» را از دیگر فرامین آن امام همام به مالک خواندند و افزودند: به دستور امیرمؤمنان، باید از لغزشها و خطاهای مردم گذشت کرد البته به جز مواردی که حدود الهی زیر پا گذاشته می‌شود و یا پای محاربه با اسلام و حکومت اسلامی در میان است. ایشان در پایان فرمان حضرت علی بن ابیطالب (ع) به مالک را از ذخائر فوق‌العاده فرهنگی خواندند و با قدرشناسی از زحمات اعضای دولت، برای آنان آرزوی توفیق کردند.

پیش از سخنان رهبر انقلاب، حجت الاسلام والمسلمین روحانی رئیس‌جمهور با اشاره به نتایج مذاکرات هسته‌ای، از رهبر معظم انقلاب اسلامی به علت حمایتها و هدایت‌های ایشان نسبت به دولت و تیم مذاکرات هسته‌ای تشکر و ابراز امیدواری کرد این مسأله زمینه‌ساز پایان فشارها و رفع اتهامات ناروای دشمنان علیه جمهوری اسلامی باشد و حرکتی جدید در مسیر پیشرفت کشور را بوجود بیاورد.

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

دریچه انعکاس پیام‌های شما از سراسر کشور